

## از یتیم خانه تا کمپانی



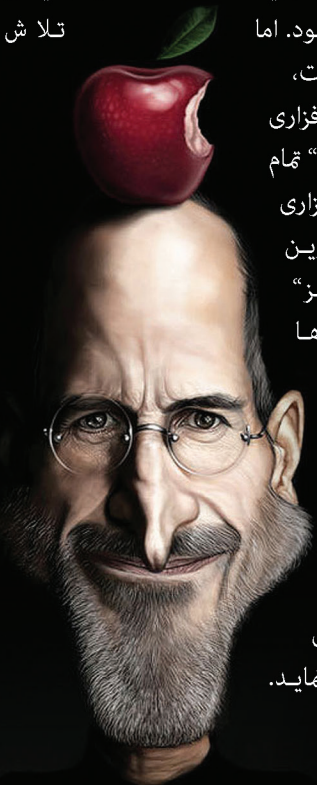
دست آورد که "استفان وزیناک" از بهترین آنها به شمار می‌رفت و بعدها فعالیت‌های بسیاری را به همراه او انجام داد. مهمترین علتی که سبب علاقه شدید "استیو" به "وزیناک" گردید، دستگاه کوچکی بود که "وزیناک" ساخته بود. این دستگاه که نام آن را "blue box" گذاشته بودند به دستگاه تلفن متصل می‌شد و به صاحب آن این امکان را می‌داد که تماس‌های تلفنی خود را به طور رایگان انجام دهد.

در سال ۱۹۷۴ پس از ترک تحصیل از دانشگاه "استیو" در یک شرکت طراحی بازی‌های کامپیوتری تحت عنوان "آتاری" مشغول به کار شد. پس از گذشت چند ماه، توانست مبالغی پول پس‌انداز کند و برای یک دوره آموزش روح و روان راهی کشور هند شد. اما در پاییز ۱۹۷۴ مجدداً به کالیفرنیا بازگشت و به سراغ دوست قدیمی‌اش "وزیناک" رفت. از آنجا که دیگر از الکترونیک و ساخت و بررسی ابزارآلات الکترونیکی خسته شده بود، توانست دوست صمیمی‌اش را قانع کند که از این کار دست بردارد و هر دو به کمک هم اقدام به ساخت یک کامپیوتر شخصی نمایند. پس از مدتی این دو دوست کوشا و خلاق توانستند در اتاق خواب "استیو" که از آن به عنوان کارگاه استفاده می‌کردند یک دستگاه کامپیوتر کوچک شخصی درست کنند و آن را به مغازه‌دار محله نشان دادند. مغازه‌دار که از دیدن آن بسیار متحیر و شگفت‌زده شده بود، به آنها سفارش ساخت ۲۵ دستگاه از این نوع را داد.

"استیون پل" کودک یتیمی بود که "پل" و "کلارا جابز" در ایالت کالیفرنیا سرپرستی او را برعهده گرفتند. کودک شرور و شیطانی که علیرغم تمامی بازیگوشی‌های کودکش با دیگر همسن و سالانش تفاوت‌های بسیاری داشت. علاقه او به دستکاری لوازم الکتریکی اگر چه عصبانیت‌های شدید اطرافیان را در پی داشت، اما مواقعی نیز پدید می‌آمد که سبب حیرت دیگران گردد. دوران مدرسه نیز با این شور و هیجان نسبت به ابزارآلات برقی سپری شد تا اینکه در سال ۱۹۷۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به دانشکده "Reed" در "پورتلند" قدم گذاشت. علاقه فراوان او به شرکت در سمینارهای الکترونیک در مکان‌های مختلف شهر سبب شد تا در همان ترم اول در کلاس‌های درس حاضر نشود و سرانجام از دانشگاه اخراج گردد.

از آنجا که در طول تابستان در یکی از کارگاه‌های الکترونیکی مشغول به کار شده بود، توانست دوستان خوبی در آنجا به

تفریح و لذت از زندگی پرداخت اما عشق او به کار و خلق نوآوری هرگز رهایش نمی‌کرد، تا اینکه در سال ۱۹۸۹ با خود اندیشید که دوباره شرکت بزرگی همانند "Apple" برپا کند و رهبری آن را برعهده گیرد و با تمام توان فکر خود را عملی سازد، کمپانی "Next step" پایه‌گذاری شد و تولید از کامپیوترهای خانگی را آغاز نمود. اما او در این زمینه دوام چندانی نیافت، در سال ۱۹۹۳ بخش سخت‌افزاری "Next step" تعطیل شد و "جایز" تمام تمرکز خود را بر روی بخش نرم‌افزاری آن نهاد. طراحی برنامه‌های نوین در عالم کامپیوتر دوباره "جایز" و "Next step" را بر سر زبان‌ها انداخت و سرمایه و شهرت بی‌شماری را از آن او ساخت. نام "استیو جابز" به عنوان فردی ثبت شده است که پیش از سن ۳۰ سالگی توانست شهرت و ثروت عظیمی را از طریق پایه‌گذاری کمپانی "Apple" از آن خود نماید.



اندکی بعد با مشورت یکی از دوستان دیگر که مدیر فروش یک کمپانی نه چندان بزرگ بود؛ تصمیم گرفتند، شرکتی بنا کنند و کار تولید این نوع کامپیوتر را آغاز نمایند. با این تصمیم، هر دو هر چه داشتند فروختند و هزینه‌های اولیه تأسیس شرکت را فراهم کردند. به یاد روزهای خوش تابستان و بازی‌های کودکانه در میان درختان بر آن شدند تا نام شرکت تازه تأسیس و محصولاتش را "Apple I" - سیب- قرار دهند. اولین سری کامپیوترهای کوچک خانگی تحت عنوان "Apple I" چنان سر و صدایی در جهان ارتباطات پدید آورد که نام جایز و وزیناک به سرعت در سراسر دنیا پراکنده شد و این فروش اولیه مبلغی معادل هفتصد و هفتاد و چهار هزار دلار سود برای این دو در برداشت. در سال بعد نوع جدید و پیشرفته‌تر این کامپیوترها با نام "Apple II" به بازار فرستاده شد. جالب اینجاست که آن دو به این میزان پیشرفت نیز راضی نبودند. از همین رو نسل جدید محصولات خود را تحت عنوان "Apple III" راهی بازار نمودند. سال‌های بعد با طراحی "Macintosh" شهرت "جایز" بیش از پیش شد و نام او را برای همیشه در صنعت و تکنولوژی جهان به ثبت رساند. علیرغم تمام ثروت و شهرتی که از طریق "Apple" عاید "استیو" شده بود، تصمیم گرفت در سال ۱۹۸۵ از سمت خود کناره‌گیری کند و از کمپانی عظیمش فاصله گیرد. با این تصمیم چند سالی به

# STEVE JOBS

از زندگی استیو جابز 1111010001 - 1111011011

## درس

### ● (۱) سادگی را انتخاب کنید

از نظر جابز، سادگی نهایت پیچیدگی است. او به ایده های بسیاری «نه» گفته است تا بتواند محصولاتی را تولید کند که فقط شامل چیزهای مورد نیاز مشتری باشند و لاغیر. همانطور که در محصولات اپل مشخص است، جابز هیچ علاقه ای به چینگیلی مستون ندارد.

مقاله نویسان مجله فورچون می گویند جابز از کسانی که به همه چیز آری می گویند متنفر است، جابز و تیم مدیریتی اش ترجیح می دهند افرادی صادق در کنار خود داشته باشند تا کسانی که از ایده های نامناسب حمایت می کنند.

### ● (۲) ذهن خود را مانند افراد مبتدی نگه دارید

در آیین بودایی اصطلاحی وجود دارد به عنوان ذهن مبتدی. داشتن ذهن مبتدی یک موهبت است.





## ● (۵) ایمان داشته باشید و پروژه‌های عجیبتان را رها نکنید

...چون ممکن است روزی تبدیل به پیکسار شوند. کمی پس از ترک اپل، جابز پرسودترین سرمایه‌گذاری عمرش را انجام داد. او با پرداخت پنج میلیون دلار گروهی از زبده‌ترین متخصصین گرافیک کامپیوتری را در قالب استودیوی پیکسار از جرج لوکاس خرید. در سال ۲۰۰۶ او پیکسار را به والت دیزنی به ارزش ۷.۴ میلیارد دلار فروخت و تبدیل به بزرگترین سهامدار دیزنی گشت.

## ● (۶) از متفاوت بودن نترسید

فروشگاههای اپل نمونه بارز این مسئله هستند. چی الیوت نویسنده کتابی در مورد جابز معتقد است این فروشگاهها خطر بزرگی برای شرکت به شمار می‌رفتند اما جابز با نگاه متفاوتش و سرمایه‌گذاری روی همین تفاوت‌ها به موفقیت بزرگی دست یافت. جابز می‌گوید: نوآوری وجه تمایز بین یک رهبر و یک پیرو است!

## ● (۷) به آنچه انجام می‌دهید عشق بورزید

تنها راه انجام کارهای بزرگ این است که آنچه را انجام می‌دهید واقعاً دوست داشته باشید. اگر تاکنون آن را نیافته‌اید به جستجویتان ادامه دهید. کنار ننشینید. اگر راجع به کارتان مشتاق و علاقمند نیستید، نمی‌توانید منشاء نوآوری باشید.

جابز توصیه می‌کند که همه مسائل را با ذهنی باز بررسی کنید و آنها را طوری تجربه کنید که گویی اولین باری است که با آن مواجه می‌شوید. خود را برای شگفت زده شدن آماده کنید.

## ● (۳) از خودتان انتظار تعالی داشته باشید

جابز می‌گوید سعی کنید معیار کیفیت باشید. بعضی‌ها به محیط‌هایی که در آن انتظار تعالی از فرد می‌رود، عادت ندارند. شرکت سی و پنج ساله اپل با بیش از ۵۰ هزار کارمند و فروشی سالانه بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار که هر سال ۶۰ درصد رشد را تجربه می‌کند و محصولاتش به بازار ارائه می‌کند که گوی سبقت را از دیگران برده‌اند، تنها به این دلیل موفق شده است که جابز جز موفقیت و کمال چیزی را قبول ندارد. با وجودی که برخی او را یک دیکتاتور سازمان می‌نامند ولی او توانسته است اپل را تبدیل به شرکتی کند که دست کسی به آن نمی‌رسد.

## ● (۴) استعدادها را شناسایی و تربیت کنید

اپل بیش از ۲۵ هزار کارمند دارد. هر سال گردهمایی استراتژی شرکت با حضور گروهی از رهبران شرکت با عنوان یکصد کارمند برتر تشکیل می‌شود. با وجودی که احتمالاً معدودی کارمندان جزء نیز در این گروه انتخاب می‌گردند. کسانی که مهارتهای قوی و ایده‌های عالی دارند. اپل به ما یاد می‌دهد که پرورش و تشویق استعدادها مهمتر از ساختارهای سازمانی مصنوعی است.